



طنین قاره‌های درباره رئیس جمهور آمریکا

زردی من از تو سرخی تو از من

۱ زردها همه زردند اما بعضی زردترند



دانش آقباشاوی: با عرض سلام و ادای احترام

به محضر همه نیروهای لیبرال، چپ، راست، ناسیونالیست، اینترناسیونالیست، دموکرات، لیبرال متمایل به چپ، چپ متمایل به راست، راست متمایل به لیبرال، لیبرال ناسیونالیست، لیبرال دموکرات، بیخیال دموکرات و الباقی صاحب نفسان و منبرداران اقصی نقاط هستی! بدینوسیله به عرض می‌رساند از آنجا که قلم، منبر، تریبون، اینستاگرام، توییتر و... از زردی مو و سرخی روی چهل و پنجمین رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا اشباع شده، خواهشمند است عزیزان نیز به روی، روح و روان ما، عوام، رحم فرموده و ترامپ زردموی سرخ روی احتمالاً زرد سیرت و خدا می‌داند زرد عاقبت را در گفتار، نوشتار و اظهار نظرهای تان بیش از این زرد نکنید. بسیار موجب امتنان و خرسندی خواهد بود که همچون پیشینیان روشنفکر یا جالبفکر تان به زرد کردن باقیمانده بدیهیات و واضحات هستی بپردازید. البته از آنجا که حقیر نیز همچون شما می‌داند هرگز نباید کسی یا چیزی را قضاوت کرد و شاید او هم (منظور ترامپ زرد است) و حتی شما هم حق داشته باشید و من ندانم، پیشاپیش از اعتراض به تجاوز زرد و ترامپ‌آلودتان به روح و روان خود پوزش طلبیده و انتظار دارم تا این موضع حقیر را به منزله ضعف اعصاب، عدم تعهد و جالبفکر نبودن اینجانب تلقی فرمایید.



۲ سرخ‌ها بیپه‌ده زرد نشدند

عرب‌ها می‌گویند: خداوند، قدیمی‌ها را بیمارزد که حرفی، برای گفتن باقی نگذاشتند. قدیمی‌های پارسی‌زبان نیز اینچنین فرموده‌اند که: «تره به تخمش می‌ره، حسنی به باباش» اما از آن روی که دونالد ترامپ، بر خلاف حسنی، یک شرقی غمگین، توسعه نیافته و مو مشکلی نبوده و نیست، بلکه در کمال صحت و سلامت تن، روان و نژاد، یک غربی خوشحال، توسعه‌یافته و زردموی است، بختش بسیار ویژه‌تر از بخت حسنی بوده و به جای باباش به بابای باباش فردریش رفته.

آخر بهتر است بدانید که فردریش که بابای بابای دونالد محسوب می‌شود، درست در سال‌هایی که مالک این ملک آریایی، ناصرالدین شاه قاجار، اندکی پس از به قتل رساندن امیرکبیر، جیران خانم نامی را در جمع ملازمان مادرش مهدعلیا، دیده و یک دل نه صد دل به او عاشق شده و تورش کرده است؛ پدربزرگ پدری دونالد به جای عشق و حال و ازدواج سفید با جیران‌های زردموی غربی به شمال غرب کانادا می‌رود و باز هم به جای اینکه مانند خیل کثیر جویندگان و سوداگران طلا، کوه‌های یخ‌زده را درنورد و خطر کند، فکری بکر می‌کند.

فردریش درومیف، نام خانوادگی آلمانی‌اش را انگلیسی‌سازی کرده، به ترامپ ارتقا می‌دهد، رستورانی در مسیر طلایحویان دایر می‌کند و مردی بس ثروتمند می‌شود.

خب! بخشی از اختلاف مبنایی بین رگ و ریشه دونالد ترامپ با حسنی و فرق کارآفرینی اجداد ترامپ با تورآفرینی قبيله عالم ایران و احتمالاً قبيله‌های عالم سایر بلاد هم‌عصرش، مشخص شد. مبنای تفکر اجدادی ترامپ‌ها را می‌توان، هنر معامله، عقل معاش یا راهزن مهربان و در یک کلام: بی‌مایه فطیر است نام نهاد.

همه می‌دانیم مایه، اثری است که به زردی و سرخی و سیاهی موی و چشم و ابرو و خال و چال و گونه و چانه و شانه و تور و حجله و تخم و ترکه و کسی، ربطی ندارد و تعریف آن، فارغ از هر قوم و نژاد و رنگ و رخ برمی‌گردد



به انگیزه‌ها و خصلت‌های بی‌مایگان در تکاپوی مایه.

اما باز هم گویا قدیمی‌ها گفته‌اند که مایه، کیمیایی است که هر سرخی را زرد می‌کند. پس حال که مستنداً مشخص شد این دونالد ترامپ زردموی باچاره؛ فرزند فرزند خُلف مایه است، بیایید تا همه با هم متحد شده و زردی مویش را به سرخی رویش ببخشیم، چرا که از بین فرهیختگان منتقد ترامپ، کیست که نداند: سرخ‌ها بیپه‌ده زرد نشدند! و در ائتلاف جبهه واحد ضد زردها این هشتگ را به اشتراک بگذاریم: #مایه_سرخ‌ها_را_زرد_می_کند

۵ تنها مری پاسپورت ندارد

آیا می‌دانستید تنها کسی که در جهان کنونی پاسپورت ندارد یا در واقع نیاز به داشتن پاسپورت ندارد «الیزابت الکساندرا مری» نام دارد. ایشان ملکه سلطنتی بریتانیا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند و رئیس اتحادیه کشورهای همسود است. او همچنین ملکه ۱۲ کشور است که از زمان جلوسش مستقل شده‌اند: جامائیکا، باربادوس، باهاما، گرنادا، پاپوا گینه‌نو، جزایر سلیمان، تووالو، سنت لوسیا، سنت وینسنت و گرنادین‌ها، آنتیگوا و باربودا، بلیز و سنت کیثس و نویس. وی همچنین رئیس عالی کلیسای انگلستان و مدافع ایمان در برخی کشورهای قلمرویش نیز هست.

اما نکته تبعیض‌آمیز ماجرا اینجاست که غیر از ملکه الیزابت، مابقی انسان‌های روی این کره خاکی متمایل به زرد، برای گرفتن پاسپورت کشورهای دیگر مجبور به انجام کارهای اداری طاقت‌فرسا، رعایت قوانین مهاجرتی و تابعیتی دست و پاگیر، تردها و توقف‌های طولانی مدت در صف سفارتخانه‌های مقصد، اقامت‌های چند ماهه اجباری در کشورهای موعود، اجبار به ارائه کردن نسخه‌هایی از گردش حساب مالی برای اثبات تمکن مالی خویش، استخدام وکیل، تقدیم گواهی‌های رنگارنگ عدم سوءپیشینه، مراقبت وسواس‌گونه از مندرجات صفحات اجتماعی خود، تولید آثار هنری و فرهنگی بورپسند و بسیار سخت‌کوشی‌های دیگر هستند.

باری! سهمگینی بار این همه مشقت را چگونه بر دوش باید کشید؟! وقتی خبردار می‌شویم که علاوه بر ملکه الیزابت، سرکار خاتم «ایوانا» همان مانکن اهل چکسلواکی که همسر او مرد نامرد زردموی بچه‌ساز شد و چند شکم هم برای آن بچه‌سازی کرد، براحتی تابعیت ایالات متحده آمریکا را به دست آورده است! آخر «ایوانا» که نه تنها جالبفکر و فرهیخته نبوده، بلکه حتی ملکه هم نبوده، پس چرا؟! چرا او مجبور به انجام عملیات سخت‌کوشانه سفارتی نبوده است؟ آیا این انصاف است؟

معلوم است که نیست اما کاش که بی‌حساب و کتابی کارهای این دنیای بی‌فرهنگ فقط به بی‌پاسپورتی ملکه الیزابت و راحت‌الپاسپورتی «ایوانا» ختم می‌شد ولی صد افسوس که ترامپ مهاجرزاده، دست از ادامه دادن به این خیمه‌شب‌بازی تبعیض‌آمیز برنداشته و مسیر غیرفرهنگی خویش را با بی‌فکری تمام ادامه داده است.

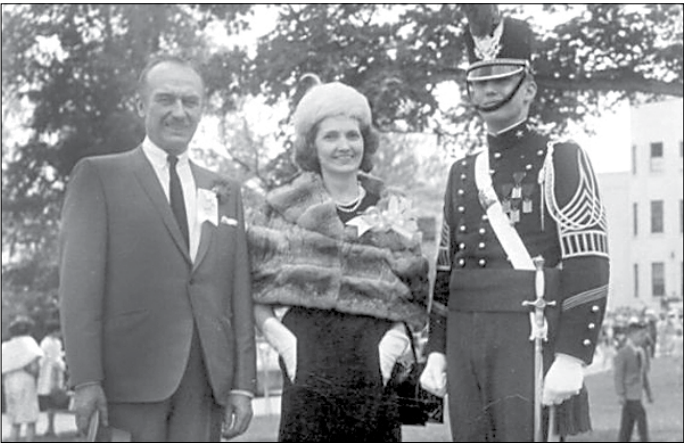
شاید باورتان نشود اما بار دیگر و در کمال وقاحت، دونالد ترامپ بی‌خرد، این بار با «ملانیا کناوس» مانکن مد اهل اسلونی؛ در پالم بیچ فلوریدا ازدواج کرد. حدس‌تان درست



است: «ملانیا» نیز براحتی تابعیت آمریکا را دریافت کرد و در همان سال اول ازدواج «بارن» پنجمین فرزند ترامپ را به دنیا آورد تا بار دیگر بر خصلت مترجانه بچه‌سازی ترامپ مهر تایید بزند. بعدها «ملانیا» حتی مدعی شد پرسش به هر دو زبان انگلیسی و اسلونیایی مسلط است.

ترامپ زن‌دلیل‌زدن، در حالی با زیر پا گذاشتن مفهوم شایسته‌سالاری جهانی، حتی برای پدربزرگ‌ها و مادرزن‌هایش پاسپورت آمریکایی جور می‌کند که میلیون‌ها فرهیخته جالبفکر، عمیق، بچه‌نسناس، فیلسوف و هنرمند در آرزوی رسیدن به سرزمین فرصت‌های‌شان، فرسوده می‌شوند و چه بسا از این سوز، نه حتی فقط به خود ترامپ، بلکه با عرض پوزش، به اجداد ملکه الیزابت هم ناسزا روا خواهند داشت، آخر این پاسپورت را هم اول بار، خود انگلیسی‌ها ابداع کرده‌اند. البته این را نیز همه می‌دانیم که اعلام علنی مرزبندی با مواضع ملکه‌پسندانه رئیس جمهور یکی از مهم‌ترین کشورهای مقصد، می‌تواند برای آینده پرورنده مهاجرت و تابعیت تک تک‌مان، گران و خطرناک تلقی شود اما نمی‌شود که دست روی دست بگذاریم و اجازه دهیم حق‌مان را مفت مفت، ملکه‌خور کنند.

پس این بار، واقعا و بسیار جدی و بی‌تعارف اما در عین حال قانونی و محترمانه درباره این تبعیضات اداری زرد، متحد شده و فریادهای ترامپ‌ستیزانه خود را به هشتگ: #ما_نیز_ملکه_هستیم» به اشتراک خواهیم گذاشت تا ملکه‌های این جهان نشنه پاسپورت، بدانند ملکه بودن و تابعیت داشتن به زن بودن نیست، بلکه حق طبیعی هر فرهیخته عمیق، معترض و بی‌پاسپورتی است.



معافیت از خدمت، نزد خیل کثیری از جوانان فرهیخته سرزمین‌هایی که به سلحشوری و جنگ‌آوری شهره هستند و خدمت سربازی اجباری زینت زیننده آن دیار بوده، رویایی شیرین است؛ رویایی سپید، رویایی سبز، رویایی سرخ و حتی چه بسا رویایی زرد! روایت عقل‌گرایان جوانی را که با گذاردن باتری ساعت در زیر زبان‌شان حسین گرفتن نوار مغزی، خود را به جنون زده تا پرونده معافیت پزشکی‌شان تکمیل شده و از خدمت سربازی رها شوند کم و بیش شنیده‌ایم. حکایت فرزندان برومندی که مادر و پدرشان

معافیت از خدمت، نزد خیل کثیری از جوانان فرهیخته سرزمین‌هایی که به سلحشوری و جنگ‌آوری شهره هستند و خدمت سربازی اجباری زینت زیننده آن دیار بوده، رویایی شیرین است؛ رویایی سپید، رویایی سبز، رویایی سرخ و حتی چه بسا رویایی زرد! روایت عقل‌گرایان جوانی را که با گذاردن باتری ساعت در زیر زبان‌شان حسین گرفتن نوار مغزی، خود را به جنون زده تا پرونده معافیت پزشکی‌شان تکمیل شده و از خدمت سربازی رها شوند کم و بیش شنیده‌ایم. حکایت فرزندان برومندی که مادر و پدرشان

معافیت از خدمت، نزد خیل کثیری از جوانان فرهیخته سرزمین‌هایی که به سلحشوری و جنگ‌آوری شهره هستند و خدمت سربازی اجباری زینت زیننده آن دیار بوده، رویایی شیرین است؛ رویایی سپید، رویایی سبز، رویایی سرخ و حتی چه بسا رویایی زرد! روایت عقل‌گرایان جوانی را که با گذاردن باتری ساعت در زیر زبان‌شان حسین گرفتن نوار مغزی، خود را به جنون زده تا پرونده معافیت پزشکی‌شان تکمیل شده و از خدمت سربازی رها شوند کم و بیش شنیده‌ایم. حکایت فرزندان برومندی که مادر و پدرشان

معافیت از خدمت، نزد خیل کثیری از جوانان فرهیخته سرزمین‌هایی که به سلحشوری و جنگ‌آوری شهره هستند و خدمت سربازی اجباری زینت زیننده آن دیار بوده، رویایی شیرین است؛ رویایی سپید، رویایی سبز، رویایی سرخ و حتی چه بسا رویایی زرد! روایت عقل‌گرایان جوانی را که با گذاردن باتری ساعت در زیر زبان‌شان حسین گرفتن نوار مغزی، خود را به جنون زده تا پرونده معافیت پزشکی‌شان تکمیل شده و از خدمت سربازی رها شوند کم و بیش شنیده‌ایم. حکایت فرزندان برومندی که مادر و پدرشان

ایس را دیگر هر عوامی می‌داند که وطن چیست؟ وطن جایی است بسیار باکلاس، نوستالژیک، خوش‌عطر و لعاب، دارای میادین، آب‌نما و برج‌های شیک و لوکس به همراه طبیعتی بکر، مهیج، نایاب و گردشگرخیز. در وطن و خارج از وطن، هموطنانی صلح‌جو، گرم و میهمان‌نواز، ساده و بی‌بریا، صادق و سخاوتمند زیست می‌کنند.

تعریف معنی هموطن که همچون گذشته بسیار ساده است. کلمه هموطن به آدم حسابی‌ای اطلاق می‌شود خوش‌پوش، خوش‌خوراک، خوش‌رو، خوش‌خنده (با دندان‌های ردیف صدفی)، خوش‌شو، خوش‌معاشرت و در یک کلام خوش‌بخت. این آدم حسابی همیشه از بهترین و گران‌ترین محصولات پوششی، آرایشی، زینتی و به‌روزترین و معروف‌ترین امکانات اسکان، استحمام، ورزش، سلامت، تفریح و حمل‌ونقل برخوردار بوده، هست و خواهد بود.

هموطن انسانی به غایت موفق است که با بهره‌هوشی بالای خود در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف همه‌نویل‌ها، درجات علمی، نخل‌ها، اسکارها، مدال‌ها، شیرها، پلنگ‌ها، خرس‌ها و حتی قورباغه‌های طلایی را دریافت می‌کند. این موجود دوست‌داشتنی و رشک‌برانگیز با توجه به نبوغ ذاتی‌اش عموماً کارمند ناسا یا هم بحث و درس اینشتین‌های تمامی زمانه‌ها، مبدع خدمات پست شهری و بین شهری، شهردار لندن و بورلی هیلز، بهترین جراح مغز و اعصاب در هستی و دیگر حرف‌بشدت جذاب و موفق هر تاریخ و جغرافیایی است.

حال که این بدیهیات ابتدایی درباره وطن و هموطن را هر موجود هموطن یا غیرهموطنی، فارغ از رنگ و رگ و ریش‌هایش می‌داند، این سوال پیش می‌آید که چرا آقای دونالد ترامپ به عنوان یک موجود موفق و شیک‌پوش که تنها فرشش با اکثر هموطنان، فقط زردی فرق سرش است، وطن و این همه هموطنان جذاب و جالب را درک نمی‌کند و برخوردی را که الحق شایسته بی‌کلاس‌ها، جنگ‌طلبان، بی‌دندان‌ها، دهانی‌ها، کپک‌ها، چرک‌وها، غیرموفق‌ها و در یک کلام شایسته غیرهموطنان است با هموطنان واقعی می‌کند؟

اینجانب معتقدم آقای ترامپ یقیناً وقتی که با اشاره به دغدغه‌های امنیتی درباره تروریسم، ورود شهروندان عراق، ایران، لیبی، سومالی، سودان، سوریه و یمن را برای مدتی معین به ایالات متحده ممنوع می‌کنند، در تعریف دقیق

۳ آرزو بر جوانان عیب نیست

سرخ روی بوده که در بحبوحه جنگ خشونت‌بار، جدی و مردافکن وینتام، بدون جاگذاری باتری در زیر زبان، بدون متار که مصلحتی والدین، بدون رشوه، بدون ادعای شب‌اداری، بدون تمایل به همجنس‌سازی و کلاً فقط با داشتن یک «خار» باشند» ساده در یکی از دو پایش که امروز، حتی به یاد نمی‌آورد کدام‌شان بوده، از خدمت سربازی و اعزام به جبهه‌ها معاف شده است!

خب! الان دیگر گذشته‌ها گذشته، پس بهتر است تا خویششاندار باشیم و به «خار» ترامپ فحش ندهیم. غرور و شخصیت اجتماعی‌مان هم حکم می‌کند تا تلاش کنیم و خود را کنترل کرده و حتی به «خار»ش حسادت هم نکنیم. به هر روی می‌دانم که این همه بخت یاری، آن هم برای یک زردموی مایه‌دار، رشک‌برانگیز است اما چه باید کرد؟

حالا که بیشتر آرزوهای ما دارد برای ترامپ برآورده می‌شود، بهتر است تا حداقل مواضع و مسؤولیت‌های منتقدانه و مفید خود را همچون یک روشنفکر و لاقال جالبفکر پیشرو، حفظ کرده و باز هم در ائتلاف جبهه واحد ضد زردها، این بار هشتگ: «#من_از_روییدن_خار_سر_دِیوار_دانستم» را به شکل گسترده‌تری به اشتراک بگذاریم. باشد تا همگان بدانند ما سلحشوران تاریخ، باتری زیرزبان می‌گذاریم اما آنگونه حقیر نیستیم تا «خار»مان را به کسی نشان دهیم.

۶ وطن پرنده پر در خون



عبارات وطن و هموطن دچار اشتباه محاسباتی شده‌اند و با کلاس و بی‌کلاس را به یک چوب رانده‌اند و این رفتار گرم‌سپوی ایشان، خودنشانه‌ای از بی‌انصافی و بی‌اخلاقی و به یک معنا، رفتاری بی‌کلاس و غیرهموطنانه است.

آقای ترامپ به اشتباه، تر و خشک را با هم سوزانده و هموطن و غیرهموطن را یکجا از امکانات اولیه شهروندان جهانی محروم کرده‌اند.

احتمالاً آقای ترامپ و مشاوران‌شان، این نکته واضح و ظریف را نمی‌دانند که ما هموطنان باکلاس و موفق، خود، سالیان سال است که در تلاش شبانه‌روزی مجازی و حقیقی برای خط‌کشی عمیق و پرمعنا، بین خودمان و بی‌کلاسان غیرموفق موجود در سرتاسر هستی هستیم. پس در اقدامی استراتژیک و تاکتیکی، با تمام احساسات و عرق وطن‌پرستانه خود، با منتفی دانستن بحث شکلی رنگ مو و روی جناب آقای پرزیدنت دونالد ترامپ و ضمن تایید و سپاس ویژه از مواضع محکم و وطن‌پرستانه ایشان در تمام امور شهروندان جهان، قطعه‌ای از فرهنگ دیرینه خود که می‌فرماید: «زردی من از تو، سرخی تو از من» را به ایشان تقدیم کرده و با ایجاد و انتشار هشتگ «#نه_ییسواد_نه_یکلاس» جانم‌فدای بی‌کلاس» خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق همه نوا، فرهیختگان، با کلاسان، موفقان و در جان کلام، هموطنان جان‌مان برای ورود، اقامت و خروج بی‌قید و شرط به ایالات متحده آمریکا و دیگر نقاط موفق جهان هستیم.

باشد تا تاریخ بداند که آمریکای باکلاس یعنی رویای رنگارنگ موفق‌ها و ترامپ رنگارنگ نیز یعنی آمریکای رویایی.

۴ سیب سرخ برای دست چلاق خوبه



از کجا معلوم! شاید مادرش سحر و جادو کرده باشد اصلاً آخر این خانم «سری آن» که مادر این زردموی مایه‌دار یخ‌تیار است اصالتاً اسکاتلندی است و احتمال قریب به یقین می‌رود که دونالد، به یمن اصل و نسب مادریش موفق شده است تا ۳۱ سالگی عشق و حال و شراکت‌های اجتماعی سفید و سیاه و سرخ بکند، سپس تازه برود یک مانکن اهل چک را بگیرد. در واقع و در یک کلام: «والا مردم شناسن دارند».

عزیزان همه خوب می‌دانیم که حرف‌های فوق، عوامانه و دور از شأن جالبفکری ماست اما باید یادآور شوم که متأسفانه در این زمینه نیز حق با شما و در واقع حق با عوام است، بلکه همان‌گونه که در فضای مجازی آورده شده، مع‌الانفس، دونالد ترامپ تازه در ۳۱ سالگی با «ایوانا» که مانکنی اهل چکسلواکی سابق است، رسماً ازدواج کرده و از شما چه پنهان طی ۱۴ سال زندگی مشترکش چندبار نیز با همکاری ایشان دست به تولید مثل زده است.

حال برای ما که با زیست‌زاهدانه، آزادی جنسی، ناموس‌پرستی، استقلال زن، خلوت‌های فیلسوفانه، معاشرت‌های شادی‌افروز و بسیار مفاهیم و موقعیت‌های مترقی دیگر خو گرفته‌ایم، ازدواج یک مرد عیاش زن‌ستیز که زن را دستگاه تولید مثل تصور کرده، اهمیتی دارد؟

خب! معلوم است که ندارد و برای ما، این نوع زیست بی‌کلاس، بسیار هم چندانس‌آور و تلخ است. البته اگر در ساعاتی از شبانه‌روز، عفریت بی‌فرهنگی یا غم تنهایی یا حتی عسرت تکرر به دلایل سمعی، بصری و اصلاً شاید فیزیولوژیک، سراغ‌مان آمد، می‌توانیم با رفتار و منشی متداندانه، اعتراض خود را با به اشتراک گذاردن هشتگ «#تو_کوچه‌ی_ما_هم_عروسی_میشه» به جهانیان نشان دهیم و بار دیگر از سوءاستفاده خواسته یا ناخواسته مترجعان مبلغ تاهل و تولید مثل، پیشاپیش جلوگیری کنیم. بدیهی است که آوردن عبارت «جلوگیری» خود مرزبندی جدی و زیربنایی ما را با ترامپ بچه‌ساز روشن خواهد کرد.